آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۶۰۲
چهارشنبه
۱۴۰۲•۰۴•۲۸
۰۱ محرم ۱۴۴۵/ ۱۹ جولای ۲۰۲۳

پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

باید به دنبال ایجاد توازن در قالب احیای برجام باشیم

مذاکرات میدان امتیازگیری نیست

زمان آن فرا رسیده در مذاکرات اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم

در مذاکرات باید براساس واقعیت‌ها عمل کرد نه شعار

باید استعداد تجدیدنظر در سیاست‌های اشتباه را در خود به وجود بیاوریم

آرمان ملی- احسان انصاری: آیا ایران و آمریکا در مواضع خود برای رسیدن به یک توافق یا تفاهم تعدیل ایجاد کرده‌اند؟ به چه میزان این احتمال وجود دارد که مذاکرات پشت پرده در نهایت به یک توافق و یا تفاهم بین ایران و آمریکا منجر شود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر پیروز مجتهدزاده، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مجتهدزاده معتقد است: «هنگامی که ما از بیرون از این بازی شطرنج نشسته‌ایم و نگاه می کنیم که مهره‌ها چگونه حرکت داده می‌شود باید با خود بیندیشیم که ما چه رویکرد در پیش گرفتیم که به موازنه و توازن در عرصه بین‌المللی دست پیدا کردیم و در مقابل چه رویکردی در پیش گرفتیم که امروز در این نقطه قرار گرفته‌ایم. بدون تردید رویکردی که ما را به توازن رساند تلاش برای تعامل و مذاکره با جهان بود. اتفاقی که برای ما دستاوردهای مهم سیاسی و بین‌المللی به همراه داشت. طرفین در شرایطی قرار ندارند که بتوانند لج بازی کنند. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می خوانید.

وضعیت مذاکرات ایران و کشورهای غربی نسبت به گذشته تفاوت پیدا کرده و به نظر می‌رسد ایران و آمریکا در مسیری حرکت می‌کنند که تا حدودی مواضع گذشته خود را تعدیل کرده‌اند. آیا این وضعیت می‌تواند دو کشور را به یک توافق یا تفاهم نزدیک کند؟

هنوز ابهامات زیادی در پیرامون برجام وجود دارد و تا زمانی که این ابهامات به صورت معقولی مرتفع نشود نمی‌توان به خوبی در این زمینه قضاوت کرد. واقعیت این است که اگر عنوان می‌شود ایران و آمریکا در مواضع خود تغییر ایجاد کرده‌اند این خبر نیز نیازمند تأیید رسمی است و با گمانه‌زنی نمی‌توان درباره آن قضاوت کرد. واقعیت این است که در زمینه سیاست خارجی خود را درگیر تناقضاتی کرده‌ایم که این تناقضات اجازه نمی‌دهد در مسیر برجام و یا مذاکرات هسته‌ای به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم. در مقاطعی ما هرگونه مذاکره با کشورهای غربی را بر سر پرونده هسته‌ای مذموم می‌شمردیم و معتقد بودیم نباید مذاکره کرد. بااین‌وجود در یک مقطع زمانی و با یک رویکرد عقلایی‌تر تصمیم به تعامل و مذاکره گرفتیم که یک اتفاق مثبت در سیاست خارجی ایران به شمار می‌رفت. این مذاکرات نیز نتیجه داد و ما نتیجه رویکرد عقلایی خود را به‌صورت مثبت درک کردیم. ما در پروسه گفت‌وگو و مذاکره نتایج قابل قبولی دریافت کرده‌ایم و دستاوردهای مهمی به دست آورده‌ایم. این رویکرد نشان می‌داد که این درک بین مسئولان ایجاد شده است که باید مشکلات بین‌المللی را با گفت‌وگو حل کنند. ما با درک این موضوع توانستیم به اهداف خود در عرصه بین‌المللی دست پیدا کنیم. هنگامی که ما از بیرون از این بازی شطرنج نشسته‌ایم و نگاه می کنیم که مهره‌ها چگونه حرکت داده می‌شود باید با خود بیندیشیم که ما چه رویکردی در پیش گرفتیم که به موازنه و توازن در عرصه بین‌المللی دست پیدا کردیم و در مقابل چه رویکردی در پیش گرفتیم که امروز در این نقطه قرار گرفته‌ایم. بدون تردید رویکردی که ما را به توازن رساند تلاش برای تعامل و مذاکره با جهان بود. اتفاقی که برای ما دستاوردهای مهم سیاسی و بین‌المللی به همراه داشت. طرفین در شرایطی قرار ندارند که بتوانند لج بازی کنند. زمانی به توازن برجام دست پیدا کردیم که دست از لج بازی برداشته شد. در شرایط کنونی یک‌طرف ما قرار داریم و در طرف دیگر کشورهای اروپایی، آمریکا، آژانس و شورای حکام قرار دارند. به همین دلیل ما باید چشم‌انداز آینده را برای خود مشخص کنیم که آیا به دنبال توازن هستیم یا خیر. تجربه تاریخی و شرایط داخلی کشور به ما می گوید ما باید به دنبال ایجاد توازن در قالب احیای برجام و رسیدن به یک نقطه مشترک با کشورهای غربی باشیم.

ایران چگونه می‌تواند در شرایط کنونی به سمتی حرکت کند که در نهایت به یک توافق یا احیای برجام منجر شود؟

امروز مردم ایران با این پرسش مواجه هستند که اگر به هر دلیلی برجام منحل شود و احیا نشود چه چیزی قرار است جای برجام را بگیرد و کسانی که مخالف احیای برجام هستند چه آلترناتیوی برای برجام قائل هستند. رژیم‌ها و کسانی که از تنش و درگیری حمایت می کنند باید این نکته را در نظر داشته باشند هیچ جنگ و درگیری نمی‌تواند جایگزین برجام شود. کسانی که به دنبال این هستند که از برجام صرف‌نظر کنند باید برای آن جایگزین تعیین کنند. اگر برجام احیا نشد باید به سمت توافق، تفاهم و یا گفت‌وگوی دیگری حرکت کرد. ما با دو وضعیت مواجه هستیم. یا باید دست از فعالیت‌های هسته‌ای خود برداریم و دیگر آن را ادامه ندهیم که خواسته رژیم‌هایی مانند اسرائیل است و یا اینکه برای آن آلترناتیوی در نظر داشته باشیم. در عرصه بین‌المللی باید با رویکرد عقلایی و واقعی جلو رفت و نه شعاری. پس از این همه سال کشمکش در عرصه بین‌المللی و به‌خصوص در زمینه پرونده هسته‌ای زمان آن فرارسیده که ما دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم و به‌جای اینکه برای خود در عرصه بین‌المللی هزینه ایجاد کنیم به سمت کاهش تنش حرکت کنیم تا به دستاوردهای بهتری دست پیدا کنیم. برخی در داخل کشور همواره به دیگران چنگ و دندان نشان می‌دهند و تلاش می کنند با چنین زبانی با کشورهای دنیا حرف بزنند. این در حالی است که در ما در گذشته یک‌بار نرمش نشان دادیم و نتیجه مثبت آن را دریافت کردیم. ما باید در مسیر همان نرمش قهرمانانه و مذاکره قرار بگیریم. بدون تردید تنها از این راه است که می‌توانیم به خواسته‌های خود دست پیدا کنیم. مذاکره نیز به معنای گفت‌وگو و دادوستد است. به همین دلیل مواردی که لازم است به دست بیاوریم را به دست بیاوریم و مواردی که لازم است به‌طرف مقابل بدهیم را بدهیم تا مذاکره به نتیجه برسد. این تنها راه پیشرفت یک ملت است.

تلاش آمریکا و ایران برای امتیازگیری بیشتر کار برجام را به این نقطه رساند. آیا این رویکرد همچنان در دستور کار دو طرف قرار دارد و یا آن را تعدیل کرده‌اند؟

من این نوع طرز تفکر برای امتیازگیری از طرف مقابل که طرفین آن را دنبال می کنند خطا می‌دانم و معتقدم یکی از دلایلی که مذاکرات تاکنون به نتیجه نرسیده است استفاده از همین طرز تفکر بوده است. طرفینی که در حال مذاکره هستند باید این موضوع را درک کنند که مذاکرات هسته‌ای رقابت برای امتیازگیری بیشتر نیست. این مذاکرات با این هدف برگزار می‌شود که مشکلات طرفین حل شود. به همین دلیل نیز هنگامی که مذاکرات به نتیجه می‌رسد همه طرفین از مواهب آن استفاده می کنند. مذاکرات هسته‌ای میدان امتیازگیری از یکدیگر نیست. این مذاکرات به صورت جمعی برگزار می‌شود تا مشکلات به صورت جمعی حل شود. این توافق باید به شکلی تنظیم شود که برای همه طرف‌های مذاکره امتیاز به همراه داشته باشد.

نکته دیگر اینکه ما هنوز هیچ نشانه و علائم متقنی نداریم که مذاکرات قرار است به نتیجه برسد و یا تاکنون رسیده است. از سوی دیگر ما هنوز نمی‌دانیم اگر قرار است برجام احیا شود چه فوایدی برای کشورهای طرف مذاکره خواهد داشت. ما تنها امیدواریم که اتفاقات خوبی در این زمینه رخ بدهد و مذاکرات برای کشورهای طرف مذاکره نتیجه بخش باشد. با این وجود هنوز پاسخ دقیقی برای اینکه در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد نداریم. ما باید مسیری که ک دولت‌های مختلف در ایران، آمریکا و کشورهای اروپایی را مورد بررسی و ارزیابی قرار بدهیم تا بتوانیم به این جمع‌بندی برسیم که چه اتفاقی رخ داده که وضعیت مذاکرات به این نقطه رسیده است. اصل قضیه هنر مذاکره کردن و حل کردن مشکلات است. در این مرحله بوده که شاهد مشکلات زیادی بوده‌ایم. سوءتفاهم‌ها، لج بازی‌ها از سوی طرفین مذاکره کار را برای همه مشکل کرد. اگر امروز طرف‌های مذاکره به این نتیجه برسند که این سوءتفاهم‌ها نه تنها سازنده نبوده و بلکه مخرب نیز بوده می‌توانند به نزدیک شدن مواضع به یکدیگر امیدوار باشند. رویکردی که می‌تواند باعث شود مذاکرات به نتیجه برسد.

اگر قرار است توافقی بین ایران و آمریکا صورت بگیرد طرفین باید به این درک برسند که قبل از تفاهم نهایی ابتدا در حاشیه‌هایی که پیرامون مذاکرات در جریان بود به توافق دست پیدا کنند. من امیدوارم هر دو طرف دست از لج بازی بردارند. ما باید استعداد بازنگری در رویکردهای اشتباه را در خودمان به وجود بیاوریم. ما باید از این استعداد برخوردار باشیم که هر لحظه در رویکردهای خود در عرصه بین‌المللی تجدیدنظر کنیم و در صورت لزوم آنها را تغییر بدهیم

روابط بین‌الملل دارای قواعد و اصولی است که به‌صورت ایدئولوژیک طراحی نشده و بلکه تابع مقررات و قوانین بین‌المللی است. به همین دلیل نیز بهتر است ما نیز به‌جای اینکه تلاش کنیم از مسیر ایدئولوژی به اهداف خود دست پیدا کنیم تلاش کنیم از کانال‌های رسمی اهداف خود را دنبال کنیم. اگر قرار است توافقی بین ایران و آمریکا صورت بگیرد طرفین باید به این درک برسند که قبل از تفاهم نهایی ابتدا در حاشیه‌هایی که پیرامون مذاکرات در جریان بود به توافق دست پیدا کنند. من امیدوارم هر دو طرف دست از لج بازی بردارند. ما باید استعداد بازنگری در رویکردهای اشتباه را در خودمان به وجود بیاوریم. ما باید از این استعداد برخوردار باشیم که هر لحظه در رویکردهای خود در عرصه بین‌المللی تجدیدنظر کنیم و در صورت لزوم آنها را تغییر بدهیم. اگر رئیسی می‌خواهد نام نیکی از خود برجای بگذارد باید تنگناها را بشکافد و بن‌بست‌ها را از بین ببرد. ما باید به این واقعیت پی ببریم که به‌جز ارتباط سازنده و مثبت با جهان راهی برای حل مشکلات در عرصه بین‌المللی وجود ندارد. هنگامی که صحبت از تعامل با جهان می کنم نیز منظور من این نیست که با اسرائیل رابطه برقرار کنیم؛ خیر، اصلا این گونه نیست. به‌جز رژیم اسرائیل کشورهای زیادی در جهان وجود دارند که می‌تواند با آنها رابطه داشت و از مزایای چنین رابطه‌ای به سود کشور استفاده کرد. ارتباط با کشورهایی مانند استرالیا چه اشکالی دارد؟ حتی با آمریکا نیز باید رابطه اقتصادی داشت. باید رابطه با جهان را گسترش بدهیم تا کشورهای جهان نیز وارد بده و بستان اقتصادی با ایران شوند. در چنین شرایطی وضعیت اقتصادی مردم بهتر می‌شود و دولت می‌تواند مدعی باشد به مردم و کشور خدمت کرده است. ما باید استعداد بازنگری در رویکردهای اشتباه را در خودمان به وجود بیاوریم. ما باید از این استعداد برخوردار باشیم که هر لحظه در رویکردهای خود در عرصه بین‌المللی تجدیدنظر کنیم و در صورت لزوم آنها را تغییر بدهیم.

به چه میزان این اراده را در مقامات ایران برای ادامه مذاکرات می‌بینید؟

روابط بین‌الملل دارای قواعد و اصولی است که به‌صورت ایدئولوژیک طراحی نشده و بلکه تابع مقررات و قوانین بین‌المللی است. به همین دلیل نیز بهتر است ما نیز به‌جای اینکه تلاش کنیم از مسیر ایدئولوژی به اهداف خود دست پیدا کنیم تلاش کنیم از کانال‌های رسمی اهداف خود را دنبال کنیم. اگر قرار است توافقی بین ایران و آمریکا صورت بگیرد طرفین باید به این درک برسند که قبل از تفاهم نهایی ابتدا در حاشیه‌هایی که پیرامون مذاکرات در جریان بود به توافق دست پیدا کنند. من امیدوارم هر دو طرف دست از لج بازی بردارند. ما باید استعداد بازنگری در رویکردهای اشتباه را در خودمان به وجود بیاوریم. ما باید از این استعداد برخوردار باشیم که هر لحظه در رویکردهای خود در عرصه بین‌المللی تجدیدنظر کنیم و در صورت لزوم آنها را تغییر بدهیم.

یادداشت

مهم تشخیص منافع ملی است

جلال خوش‌چهره
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

بیانیه مشترک وزیران امور خارجه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و روسیه در نشست مشورتی مسکو، صدای مخالفان و منتقدان سیاست یک‌سویه تهران را در روابط خارجی خود به شرق دوباره شعله‌ور کرد. این خشم به ویژه از آن‌رو تشدید شد که اذهان، هنوز خاطره بیانیه مشترک «شی جی‌پینگ» با اعضای شورای یاد شده را تا همین چند وقت پیش در اجلاس جده فراموش نکرده‌اند. در واقع مشارکت مسکو - پکن در بیانیه‌هایی که به نظر منتقدان، تمامیت ارضی ایران را دستمایه منافع استراتژیک خود کرد، بار دیگر بر تردیدها درباره جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه و چین از یک‌سو، اعتبار سیاست «نگرش به شرق» در سیاست خارجی ایران را از سوی دیگر افزوده است، اما آیا به راستی باید مسکو و پکن را بابت رفتارشان تا این اندازه زیر تازیانه گرفت؟ در این صورت آیا باید آنها را به دلیل تشخیص منافع ملی –امنیتی خود مورد انتقاد قرار داد؟ نگرش واقع‌گرایانه چنین تجویز نمی کند؛ تاوقتی که تهران جایگاه خود را در راهبردهای سیاست‌خارجی مسکو- پکن به درستی تشخیص و تعریف نکرده باشد. بیرون از تعارفات معمول دیپلماتیک و رودربایستی‌های نهادینه در رفتار برخی از دیپلمات‌های ایرانی که بر سر سیاست‌خارجی سایه انداخته، مشکل را باید در جای دیگر جست‌وجو کرد. تجربه‌هایی مانند آنچه در بالا اشاره شد و نمونه‌های آن در سابقه روابط گرم تهران با مسکو- پکن کم نیست، ریشه در بلاتکلیفی در تبلیغ روابطی دارد که معلوم نیست ایران در کجای سیاست خارجی روسیه و چین جا دارد. هنوز برای بسیاری این پرسش کلیدی دغدغه ذهن است که آیا ایران در سیاست راهبردی دو کشور یادشده، در شمار متحدان بلند مدت است یا شریک موردی که سودمندی و دامنه این شراکت با تشخیص منافع مقطعی آنها تعیین می‌شود؟ هواداران گرایش به شرق کوشیده‌اند چنین القا کنند که روابط کنونی به گونه شکل‌گیری یک اتحاد استراتژیک است. آنان خرده‌گیری‌ها در سابقه رفتار چشم‌بادامی‌ها و نوادگان تزارها را در اندازه نق زدن گروهی غرب‌زده می‌دانند که لازم است صدایشان پایین بیاید. این نگرش از یک رویه به شدت خسارت بار در رفتار عمومی ریشه می‌گیرد که به «افراط و تفریط» در روابط خارجی انجامیده است. در این حال آیا مسکو - پکن هم تا این اندازه که هواداران نگاه به شرق در تعصبات خود بروز می‌دهند، به تهران می‌نگرند؟ یک مثال ساده بسا پاسخ روشن به این مهم باشد. «کاظم جلالی» سفیر ایران در روسیه در توئیت خود که جمعه گذشته منتشر کرد، به دیدار و گفت‌وگویش با «میخائیل باگدانف» معاون وزیر امور خارجه و نماینده ویژه رئیس جمهوری روسیه در امور خاورمیانه پرداخت. او این دیدار را در واکنش اعتراضی به اقدام مسکو در امضای بیانیه مشترک با وزیران امور خارجه شش کشور شورای همکاری خلیج فارس درباره جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی گزارش داد. جلالی که حضور ادامه‌دارش در مسکو بیشتر مدیون هواداری از سیاست گرایش به شرق است و مدام بر روابط استراتژیک تهران - مسکو اصرار دارد، نوشت که بوگدانف در این دیدار به نگاه محترمانه طرف روس به تمامیت ارضی ایران تأکید کرده است. اما خبرگزاری رسمی روسیه(تاس) بلافاصله دیدار یاد شده را بازتاب داد؛ بی‌آنکه اشاره به جانمایه توئیت سفیر ایران کرده باشد. در گزارش تاس تنها به این موضوع اشاره شد: «... در این دیدار درباره مسائل خاورمیانه پس از نشست گفت‌وگوهای راهبردی روسیه و وزیران شورای همکاری خلیج فارس که در مسکو برگزار شد، گفت‌وگو کردند.» مسکو در روابط خود با تهران، ملاحظات خود را در روابط گسترده با کشورهای خاورمیانه و به ویژه دولت‌های عرب حوزه جنوب خلیج فارس جا داده است؛ همان گونه که اکنون چین به طور فعال در این باره عمل می کند. برای مثال سهم تجارت خارجی ایران با روسیه و چین در مقایسه کشورهای جنوب خلیج فارس با این دو کشور، دلیل روشنی است برای آنکه تهران جایگاه خود را در سیاست‌های راهبردی دولت‌های شرقی تشخیص دهد. نمی‌توان از نظر دور داشت که در دنیای امروز، قدرت اقتصادی، قدرت ژئوپلیتیک را نزد هریک از دولت‌ها تعیین کرده و دامنه روابط میان آنها را می‌گشاید. شوربختانه، رودر روی هواداران سفت و سخت گرایش به شرق، برخی سینه چاکان غربگرا صف‌آرایی کرده‌اند که تجویزهایشان راهبرد جایگزینی این به جای آن در سیاست خارجی است. در حالیکه منطق منتقدان اصولی، مفهوم دیگری دارد. این منطق بر این نظر است که به جای تخریب روابط و نیز به جای غلتیدن در این بلوک یا آن بلوک، لازم است سیاست خارجی دو وظیفه اصلی را در دستور کار قرار دهد: ۱ - سیاست بازدارندگی، ۲- صلح و دیپلماسی راهگشا در چارچوب موازنه در روابط خارجی. این هردو، می‌توانند امنیت بیرونی و رونق داخلی را در پی داشته باشند. فراموش نباید کرد که روس‌ها رویه معمول «ژوزف استالین» را در سیاست‌خارجی خود دنبال می کنند؛ گذاشتن دو سیخ بر روی آتش. برای مثال او در حالیکه از وحدت دو آلمان سخن می گفت، سیاست تجزیه این کشور را پس از جنگ جهانی دوم، دنبال می کرد. این سیاست همچنان نزد روس‌ها ادامه دارد. مسئله این نیست که چرا روسیه و چین دکان دونبش را در منطقه برپا کرده‌اند؛ آنان منافع خود را در این رفتار تشخیص داده‌اند. مهم منافع ملی و امنیتی ایران است که در هزار توی سیاست باید به درستی تشخیص داده شود.

نگـــــره

روی خوش قاره فرصت‌ها به ایران

برقراری دیپلماسی متوازن و متعادل به‌خصوص در حوزه انرژی با کشورهای آفریقایی مورد توجه دولت بوده، چراکه افزون بر افزایش جایگاه و سهم ایران از بازار ۱۲۰۰ میلیارد دلاری قاره آفریقا، بازار صادراتی برای منافع اقتصادی و انتقال دانش و فناوری کشور فراهم خواهد شد، در سفر اخیر رئیس‌جمهور به این قاره به‌همنظور ارتقای سطح روابط با کشورهای دوست و همسو در مجموع ۲۱ سند همکاری میان مقام‌های عالی‌رتبه ایران و همتایانشان در سه کشور کنیا، اوگاندا و زیمبابوه امضا شد. ضمن اینکه قاره آفریقا فرصت مناسبی برای احداث پالایشگاه‌های فراسرزمینی است که با بهره‌گیری از این موقعیت، به‌طور حتم جایگاه دیپلماسی انرژی کشور و سهم ما از بازارهای جهان دوچندان خواهد شد و جهانیان متوجه این خواهند شد که ایران در حوزه انتقال دانش فنی حرفی برای گفتن دارد. ایران در بازارسازی به منظور امنیت تقاضا برای صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی به دنبال فرصت‌هایی جهت افزایش سهم در بازار جهانی بوده و در این بین در جست‌وجوی بازارهای جدیدی در جهان غیر از بازارهای مرسوم بوده که بازار قاره آفریقا یکی از این موارد است. بخشی از این بازارها می‌تواند در کوتاه مدت زیرساخت‌های موجود پالایشگاهی را برای صادرات نفت خام مورد استفاده قرار دهد اما برخی از برنامه‌های میان مدت و بلندمدت در برخی از کشورهای دارای تقاضا که دارای زیرساخت‌های پالایشی نبوده یا قدیمی هستند، می‌تواند از طریق ایجاد یا نوسازی تاسیسات به بازارسازی برای امنیت تقاضا اقدام کند.

نگاهی به بازار انرژی آفریقا

بررسی وضعیت بازارهای مختلف در قاره آفریقا بیانگر این است که در صادرات نفت خام نیجریه با افزایش ظرفیت پالایشی کاهش و صادرات محصولات پالایشی تا سال ۲۰۲۳ با تکمیل Dangote افزایش می‌یابد یعنی از وارد کننده به صادرکننده تبدیل خواهد شد. اکنون عمده واردات سوخت‌های پالایشی از ایالات متحده انجام می‌شود و نیجریه همچنین مقدار قابل توجهی سوخت پالایشی از روسیه، سوئد و هند وارد کرده است. در الجزایر پیش‌بینی کاهش صادرات نفت خام و میعانات تا سال ۲۰۳۱ در الجزایر با افزایش تولید نفت شیل ایالات متحده البته افزایش کوتاه مدت به دلیل پرکردن شکاف عرضه و افزایش قیمت نفت وجود دارد. اکثریت قریب به اتفاق نفت خام الجزایر به بازارهای اروپا صادر می‌شود که فرانسه، ایتالیا، بریتانیا و هلند از بزرگ‌ترین خریداران هستند. هند و کره جنوبی نیز یک بازار کلیدی آسیا برای نفت‌خام الجزایر است. انتظار می‌رود الجزایر تا پایان دوره پیش‌بینی ۲۰۳۰ به عنوان صادرکننده خالص سوخت‌های پالایشی باقی بماند، زیرا ظرفیت پالایش بسیار بیشتر از تقاضای داخلی است. آینده کنیا به عنوان یک صادرکننده نفت کاملا به پروژه South Lokichar Tullow oil که در حال حاضر تحت بررسی است بستگی دارد. در صورت تکمیل شدن پروژه در ۲۰۲۷، صادرات نفت خام انتظار می‌رود به روزانه ۵۳۸۰۰ بشکه برسد. پس از آن صادرات نفت پیش از رسیدن به رقم ۱۱۸۴۰۰ بشکه در روز در ۲۰۲۹، به رشد خود ادامه خواهد داد. طبق تحلیل‌ها، ظرفیت پایین تولید و پالایشی کنیا باعث کسری حساب جاری بلندمدت به‌رغم افزایش درآمد صادرات نفت خام خواهد شد. پیش بینی‌ها نشان می‌دهد که صادرات نفت خام کنیا توسط افزایش تقاضا برای محصولات پالایشی که انتظار می‌رود سالانه به طور متوسط در دهه پیش‌رو ۴.۵ درصد رشد کند و به ۲۰۸۹۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۳۱ برسد، خنثی می‌شود. به علت عدم وجود ظرفیت پالایشی در این کشور، کنیا در حال حاضر تمامی سوخت مصرفی خود را وارد می‌کند.

بازگشت ایران به بازارهای نفتی؛ هدف بازار آنگولا

همچنین در دیگر کشورهای آفریقای جنوبی که مقصد این بار ایران نبود ظرفیت‌هایی وجود دارد، مشکلات تولید نفت آنگولا به شدت بر صادرات خالص نفت خام این کشور در طول دهه تأثیر خواهد گذاشت. آنگولا در تلاش برای افزایش قابل توجه تولید نفت خود در طول سال برای تصاحب بازار چین بوده است. بزرگ‌ترین مقصد صادرات نفت خام آنگولا، چین ۶۸ درصد از صادرات نفت‌خام آنگولا است. هند ۷ درصد و تایلند ۳. ۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بازگشت ایران به بازارهای نفتی می‌تواند بازارهای آنگولا را هدف قرار دهد. اضافه شدن پروژه پالایشگاه سویو به پیش‌بینی‌ها منجر به تبدیل آنگولا به صادرکننده خالص سوخت‌های پالایشی از سال ۲۰۲۵ به بعد خواهد شد.

تولید داخلی محدود و ظرفیت پالایشی زیاد، آفریقای جنوبی را به یک واردکننده مهم نفت خام تبدیل کرده، واردات نفت خام به دلیل عملکرد ضعیف پالایشگاه‌های آفریقای جنوبی در طول سال ۲۰۲۱ کاهش داشته است. آفریقای جنوبی بخش عمده‌ای از نفت خام خود را از اعضای اوپک و کشورهای جنوب صحرای آفریقا وارد می کند. تامین کنندگان عمده عربستان سعودی ۴۳ درصد، نیجریه ۳۷ درصد و غنا ۹ درصد هستند. ایران در دوره پیش از تحریم‌ها یکی از تامین کنندگان اصلی آفریقای جنوبی بوده است. تعطیلی پالایشگاه‌ها همراه با هزینه‌های بالای مورد نیاز برای ارتقای پالایشگاه‌های موجود آفریقای جنوبی برای مطابقت با مقررات جدید سوخت، به این معنی است که واردات در بلندمدت بر تولید داخلی سوخت‌های پالایشی برتری خواهد داشت.

خبـــــر

حکم نهایی دادگاه برای ۵ مدیر متخلف

آرمان ملی: رئیس کل دادگستری استان تهران جزئیات رأی نهایی دادگاه را در خصوص پرونده ترک فعل تعدادی از مدیران فعلی و وقت دستگاه‌های مختلف در حوزه اجرای قانون هوای پاک اعلام کرد. علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران از صدور رای نهایی در خصوص پرونده ترک فعل تعدادی از مدیران در حوزه اجرای قانون هوای پاک خبر داد و گفت: در این پرونده، «معاون برق و انرژی وزارت نیرو»، «مدیرعامل وقت شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران» و «معاون وقت محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست» هر کدام به ۳ سال انفصال از خدمات دولتی و همچنین «معاون وقت نظارت بر اجرای استانداردهای سازمان ملی استاندارد ایران» و «معاون وقت تدوین و ترویج استاندارد سازمان ملی استاندارد» به جهت بازنشستگی در زمان اصدار دادنامه بدوی و توجه اتهام در مقام تصدی مسئولیت اجرایی، هر کدام به پرداخت ۲۰۰ میلیون ریال جزای نقدی درجه ۶ محکوم شدند.

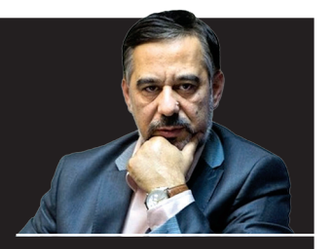

بیژن مقدم:

برخی فراتر از وزن خود سهمیه‌هایی را می‌خواهند

یک فعال سیاسی اصولگرا اظهار داشت: معمولا در انتخابات جریان‌های سیاسی اصولگرا دو هدف دارند، یکی موفقیت و دوم مشارکت مردم است، بنابراین به کارگیری روش‌هایی برای افزایش مشارکت مردم مطلوب است. وی افزود: حالا باید دید موفقیت و افزایش مشارکت در چه قالبی فراهم می‌شود، آیا با ائتلاف همه سلایق اصولگرایی این دو هدف محقق می‌شوند یا در قالب رقابت امکان‌پذیر هستند؟ بررسی‌ها روی شکل و قالب نحوه حضور در انتخابات معمولا تا دقیقه ۹۰ ادامه پیدا می کند و نهایتا در روزها یا هفته پایانی منتهی به روز انتخابات تصمیم گیری می‌شود. بیژن مقدم درباره درخواست پایداری برای داشتن ۵۰ درصد فهرست تهران یادآور شد: برای پیروزی و موفقیت قطعا هم افزایی و وحدت اولویت دارد، مگر آنکه در مسیر انتخابات برخی‌ها بخواهند از مجموعه ائتلاف یا وحدت جدا شوند. در تمام ادوار انتخابات برخی گروه‌ها این بحث را داشتند که وزن و نفوذ اجتماعی و سیاسی ما اینقدر است، بنابراین در فهرست نهایی باید تعداد بیشتر به جریان یا گروه ما اختصاص پیدا کند. وی ادامه داد: وقتی یک مجموعه ائتلافی شکل می‌گیرد، ضوابط و چارچوبی برای انتخاب نامزدها تعریف می‌شود. گروه‌هایی هم که وارد این ائتلاف می‌شوند طبعا هم وزن نیستند، گاهی اوقات برخی‌شان فراتر از وزن خود سهمیه‌هایی را می‌خواهند، به طوریکه احساس می‌شود این سهم خواهی اساسا برای برهم زدن قاعده بازی است؛ بعد هم هر کس علت خروج از ائتلاف را از آنها بپرسد می‌گویند به ما سهمیه ندادند. مقدم با بیان اینکه گاهی سهم‌خواهی انتخاباتی یک گروه برای برهم‌زدن ائتلاف است، بیان کرد: وقتی گروهی فراتر از ظرفیت اجتماعی خودش سهم می‌خواهد، دیگران را نیز به این موضوع حساس می‌کند و این حساسیت‌ها منجر به برهم خوردن قاعده بازی می‌شود.